

نفرین طبقه‌ی گرسنه

سَم شپرد

مترجم: منوچهر خاکسار هرسینی



نشر الراج

۱۳۸۷

سرشناسه: شپرد، سام، ۱۹۴۳ - Shepard, Sam
عنوان و پدیدآور: نفرین طبقه‌ی گرسنه / سام شپرد؛ مترجم منوچهر خاکسار هرسینی
مشخصات نشر: تهران: افراز، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص
شابک: 978-964-7640-98-6
یادداشت: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Seven Plays, 2005
موضوع: نمایشنامه‌ی آمریکایی — قرن ۲۰
شناسه‌ی افزوده: خاکسار هرسینی، منوچهر
رده‌بندی کنگره: ۷۱۳۸۵ ن/آپ/۳۵۶۴ PS۳
رده‌بندی دیویی: ۸۱۲/۵۴
شماره کتابخانه ملی: ۳۴۱۰۳-۸۵ م

انتشارات افراز

دفتر مرکزی: فلسطین جنوبی، خیابان وحید نظری، بن‌پست افشار، پلاک ۴، واحد ۵ تلفن: ۶۶۴۰۱۵۸۵
مرکز پخش: ۶۶۹۷۷۱۶۶
فروشگاه: تهران، نارمک، خیابان گلستان، شهر کتاب فدک، تلفن: ۷۷۸۴۲۰۰۲
E-mail: afraz@publicist.com

نفرین طبقه‌ی گرسنه

سم شپرد، منوچهر خاکسار هرسینی

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۸۷

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

طراحی جلد: یاسین محمدی / آتلیه افراز

صفحه‌آرایی: مونا زیدی

لیتوگرافی و چاپ: سرو

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

همه‌ی حقوق برای نشر افراز محفوظ است.

هرگونه نقل، استفاده و اجرای تمام یا بخشی از این نمایش‌نامه

بسته به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

مقدمه‌ی مترجم

در جایی فروید می‌نویسد: «پول نیاز اصلی روح انسان نیست.» و پول برای شخصیت‌های شیرد هم نیاز اصلی نیست. در «نفرین طبقه‌ی گرسنه» خانواده فقیر است، ولی نه آنچنان که ناامیدکننده باشد، نیاز مادی آنها آنقدر مسأله نیست که تشویق و تحریک به نشان دادن یک نیاز عمیق‌تر است. آنها گرسنه‌اند ولی نه واقعاً گرسنه‌ی فیزیکی. دکور، یک آشپزخانه است. تصاویر غذا و خوردن فراوان است، ولی سنگینی روی گرسنگی فیزیکی به عنوان موضوعی که در روند توسعه‌ی داستان نمایش تکرار شود نیست و هیچ چیز این را بهتر از صحنه‌ی وقتی که «وستون» مقدار زیادی کنگر وحشی به انبار خالی آذوقه‌ی منزل می‌آورد، نشان نمی‌دهد. بیهودگی آن مشهود است، ولی آنچه آن را آشکار می‌سازد، طریق عملکرد غذا به عنوان یک سمبل برای یک جستجو و نه هدف است.

آنچه آنها واقعاً گرسنه‌اش هستند فردیت، تمایز و خشنودی از نقش است. در هیچ سطحی آنها نمی‌پذیرند که از طبقه‌ی گرسنه‌اند. چنانچه «اما» با پافشاری می‌گوید: «آنها با کسانی که به عنوان یک تابع از وضعیت و تعریف خودشان که مبهم است گرسنگی می‌کشند، متفاوتند. آنها تلاش

می‌کنند با دیده شدن به‌وسیله‌ی دیگران و فرار از عضویت یک دسته یا یک طبقه پدیدار شوند.»

«نفرین» طرف تاریک رؤیای آمریکایی است و این در محکومینش تا حدی از طریق طبقه‌بندی (معیارگیری)، و تعریف ارزش‌هایی که به وسیله‌ی وکلا، سازندگان شهرک‌ها، شرکت‌های تبلیغاتی و غیره تحمیل شده، آشکار می‌شود. (وسلی پسر جوان خانواده می‌گوید: «جاهل‌ها و انسان‌نماها... مانند یک بیماری مسری چن‌دش‌آور، به جای ما آمده‌اند.») و حد دیگر به وسیله‌ی تحریف اشتیاق برای فردیت که منجر به اقدامات شوم برای نیل به آن می‌شوند. به استثنای «وسلی» اعضای خانواده به عاقبتی مصیبت‌بار و یا در شرف وقوع به آن دچار می‌شوند.

تنها او، «وسلی» آرام، به‌گونه‌ای خرافت، شخصی بدون ایده‌های رنگارنگ و فاقد جاه‌طلبی دارای حقیقت است. او می‌خواهد در زمینی حاصل‌خیز باقی بماند، چنین ریشه‌ای را به شکلی که است، گسترش دهد. او برای این نقش خواهد ماند، اگرچه آن کوچک‌ترین ذره از نقش‌هاست.

و در پایان، یک نکته که ذکر آن برای خوانش نمایشنامه ضروری به نظر می‌رسد. در دیالوگ‌ها، کلماتی که با حروف پُر (بولد) نوشته شده‌اند، باید با صدای بلند (فریاد) خوانده شوند.